



جلو ببرد و الحق که یک تنه کاری کرد کارستان. نوشته‌های او که از عمق وجودش برمی‌خاست و با چاشنی عشق و عقل توأم می‌شد، با قلمی بود که جوهر آن شیرۀ جاننش بود و محتوای آنها دانش و تجربه‌های بی‌مانندش و چون از دل برمی‌آمد، بر دل‌ها می‌نشست و جاودانی می‌شد. کتاب‌های استاد تمثیل «بوستان» و «گلستان» شیخ اجل سعدی شیرازی است که در آنها، برودت خزان و زمستان راهی ندارد و هیچگاه پژمرده نمی‌شود و همیشه تازه و شاداب باقی خواهد ماند.

او پر کشید و در پی او اشک حسرتی  
از دیدگان عشق به تلخی چکید و رفت

روحش شاد، روانش ورجاوند و راهش پر رهرو باد.

کتاب‌های استاد که با درایت و دقت‌نظر، دانشی در خور و با عشق و امید به آینده‌سرزمین محبوبش به رشته‌ تحریر درآمده، آن‌چنان بر مخاطبش تأثیر می‌گذارد که احساس می‌کنی در کلاس درس ایشان حاضری و از گرمای وجود پرمهرش بهره‌مند می‌شوی. حس می‌کنی آن صلابت و آرامش، تواضع و مهربانی به وجودت سرایت می‌کند و جانت را ملامت از عطشی می‌کند که می‌خواهی هرچه بیشتر از چشمه جوشان علم و اخلاق و اخلاص بنوشی تا جان تشنه از لیب بی‌مهری‌ها و ندانستن‌ها را سیراب کنی.

او همواره فکر کرد و نوشت و نوشت تا شاید بتواند مشکلات موجود جامعه آموزشی و آموزش ریاضی را در حدّ توانش برطرف کند و جامعه را قدمی به



# فراتر از چارچوب

شیوا زمانی

عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف

شاگرد پرویز شهریاری نبودم، او را از نزدیک ندیده بودم، از کتاب‌هایش هم غیر از دو کتاب مسایل جبر و در بی‌فیناغورث کتابی را مطالعه نکرده بودم، اما مطالعه همین دو کتاب هم برای من که در سال‌های نوجوانی شیفته ریاضیات و تشنه حل مسایل آن بودم، دریچه ورود به دنیایی بسیار بزرگتر از دنیایی بود که با کتاب‌های درسی می‌شد شناخت. دنیایی که از اعداد متحابه می‌گفت، از اعداد چندضلعی، از اعداد تام، از مربع‌های وقفی و از بسیاری دیگر از موجودات شگفت‌انگیز ریاضی که تا به حال نامی از آنها نشنیده بودم. نام پرویز شهریاری برای من، همیشه یادآور این دنیا بود، دنیایی بسیار فراتر از آنچه در چارچوب دروس ریاضی تدریس می‌شد، دنیایی خیال‌انگیز که من تنها در آستانه آن قدم گذاشته بودم و مطالب جادویی کتاب‌های پرویز شهریاری این نوید را به من می‌داد که می‌توانم عمری را بدون خستگی یا دل‌زدگی در آن سپری کنم.

